

عنوان: شناسایی و سطح‌بندی چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری

سیروس منصوری^{۱*}، سعید شاه حسینی^۲، آیه الهی‌تای^۳

اطلاعات مربوط به مقاله

چکیده

پژوهش حاضر با هدف «مدل‌سازی چالش‌های آموزش هنر در نظام آموزشی عراق بر اساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شد. روش پژوهش، مطالعه موردی از نوع مدل‌سازی ساختاری تفسیری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاه و معلمان هنر بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند ۲۳ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل اسناد و پرسشنامه محقق‌ساخته بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که ۱۰ عامل شامل عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر، بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر؛ ضعف فضای آموزشی و امکانات، کمبود بودجه برای آموزش هنر، انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی (مغایرت رقص و موسیقی با هنجارهای دینی)، عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین، عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر، عدم وجود رویکرد جامع و نظام‌مند در آموزش هنر، عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر و کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه به عنوان چالش‌های اصلی آموزش هنر در مدارس عراق هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در بین این چالش‌ها، برنامه درسی هنر، آموزش انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی/دینی (مغایرت رقص و موسیقی با هنجارهای ساختاری دینی) و کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه و عدم وجود رویکرد جامع و نظام‌مند در آموزش هنر به عنوان اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین عوامل به ترتیب در سطح ششم، پنجم و چهارم بر عوامل دیگر اثرگذار هستند.

کلید واژگان

اصلی آموزش هنر در مدارس عراق هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در بین این چالش‌ها، برنامه درسی هنر، آموزش انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی/دینی (مغایرت رقص و موسیقی با هنجارهای ساختاری دینی) و کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه و عدم وجود رویکرد جامع و نظام‌مند در آموزش هنر به عنوان اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین عوامل به ترتیب در سطح ششم، پنجم و چهارم بر عوامل دیگر اثرگذار هستند.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اراک، اراک ایران. smansoori06@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اراک، اراک، ایران

۳. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه اراک، اراک، ایران. ayeealhitavi@gmail.com

مقدمه

زبان هنر کارآمدتر از هر رسانه‌ی دیگری می‌تواند دانش را منتشر کند و ابزاری مهم در بین انسان‌ها برای برقراری ارتباط است (هاشمی و غلامپور، ۱۳۹۸). زیرا فعالیت‌های هنری باعث توسعه‌ی ظرفیت تفکر شده، بنیان‌گذار شیوه‌های تفکر هستند و شیوه‌های ماهرانه‌ای را برای برقراری ارتباط با جهان اطراف پایه‌گذاری می‌کنند (ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳). هنر و رشته‌های متفاوت آن، به این دلیل که به جامعه، نیازهای آن و کاربرد آموخته‌های هنری در محیط بیرون پیوند خورده است (صابری و همکاران، ۱۳۹۴) از مهم‌ترین عوامل در بیان افکار، عقاید، مقاصد و نیازهای درونی بشر به شمار می‌آیند (نایت، ۲۰۲۱). هنرها به دلیل ملموس کردن ایده‌ها و تصاویر خیالی و شکل دادن به آن‌ها، جهان گسترده‌تری را برای انسان مهیا می‌کنند و باعث گسترش مرزهای دیده‌ها و شنیده‌های آن‌ها می‌شوند (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۵) و انسان را وادار به کسب تجارب جدید و انتقال آن به دیگران می‌کند که شروع تبادل اندیشه و پیدایش افکار جدید می‌باشد؛ به این معنی که با خلق زیبایی، فضایی آرام و آزاد برای فرد مهیا می‌کند تا به کاوش و کشف چیزهای جدید پرداخته و اندیشه‌های تجربه نشده را بروز دهد و آدمی را به درون خویش می‌برد که در این صورت با شناخت خود و کشف هدف و رسالت برای خود، زمینه‌ی خلاقیت و انگیزش فراهم خواهد شد. همچنین به دانش‌آموزان می‌آموزد که مسائل می‌توانند بیش از یک راه‌حل داشته باشند. درواقع از درجه‌ی هنر، این معنا دریافت می‌شود که فعالیت‌های مفید از راه‌های متفاوتی قابل انجام هستند (لرکیان و همکاران، ۱۳۹۰).

به اعتقاد آیزنر و بر اساس نظریه برنامه درسی ضمنی، بهره‌گیری درست از هنر پیامدهای مهمی در آموزش را به دنبال دارد که علاوه بر تقویت جنبه‌های هیجانی و عاطفی، بر پرورش و رشد کارکردهای شناختی دانش‌آموزان نیز تأثیر می‌گذارد (مهدیزاده تهرانی و همکاران، ۱۳۹۸). هنر عقل و احساس را متحد کرده و توانایی نگرستن به دنیا از دریچه‌ی زیبایی‌شناختی را پرورش می‌دهد و در تقویت مهارت‌های شناختی و ادراکی نقش برجسته‌ای دارد و مهم‌تر آنکه باعث پرورش منش و عادات ممتاز فکری می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۹۸). پیکاسو مدعی است «هنر غبار زندگی روزمره را از روح پاک می‌کند» (فو، ۲۰۲۳). لذا انسان با هنر می‌تواند نیازهای روانی خود را ارضا نماید، زیرا هنر با عالی‌ترین و بالاترین نموده‌های احساس، درک، تخیل و روح سروکار دارد و می‌توان گفت هنر یک نوع زندگی یا آینه یا خود آن است و حتی شاید مقدم بر زندگی است (کریمی و عابدی، ۱۳۹۶). از منظر مکتب عرفان اسلامی نیز کارکرد اصلی هنر، شناخت زیبایی در جهان و ذات آن و شناخت خداوند است. درواقع پرداختن به هنر و زیبایی‌شناختی، راهی برای شناخت خداوند است (پویان و همکاران، ۱۴۰۲). بنابراین با وجود درس هنر در مدارس، دانش‌آموزان به مواردی مانند: کشف توانایی‌های خود، رشد توانایی تفکر و ابتکار، اعتماد به نفس، از بین رفتن خجالت و ناامیدی، تولیدات هنری برای نشان دادن احساسات و مقاصد خود، پرورش و تقویت توانایی انتقادپذیری و انتقادگری در خود و... دست می‌یابند (مهرمحمدی، ۱۳۹۸). به عنوان مثال با استفاده از نقاشی دانش‌آموزان و تفسیر آن می‌توان به روحیات آن‌ها پی برد؛ معلمان با بررسی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان می‌توانند به مشکلات آن‌ها پی برده و با در جریان قرار دادن والدین اقدام به حل مسائل یادگیری نمایند؛ با دقت در فعالیت‌های هنری کودکان و شیوهی انجام آن‌ها می‌توان به استعدادهای و علایق آن‌ها دست یافت و به پرورش و رشد آن‌ها کمک کرد یا به خواسته‌ها و آرزوهای کودکان پی برد (ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳). هدف اصلی از آموزش هنر، تربیت دانش‌آموزان، تحت تأثیر ارزش‌های وجودی هنر است که بدیهی‌ترین آن‌ها تربیت دانش‌آموزان خلاق و پویا است (صفری و نظریه زارع، ۱۳۹۳؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۸). گرین معتقد است مشاهده یا مشارکت در انجام و

ساخت کارهای هنری به ذهن برای خلاقیت بیش تر کمک می کند و می تواند انسان را برای یافتن و بیان سوالات، بیان احساس در مواجهه با مشکلات و اشتیاق برای چیزها و اتفاقات بهتر بیدار کند (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال آموزش هنر همیشه در کشورهای در حال توسعه با چالش های جدی مواجه بوده است. برخی از این چالش ها ممکن است به ادراک سیاستگذاران و یادگیرندگان راجع به کم اهمیتی درس و محتوای هنر باشد و بخشی نیز ممکن است به دلیل خوانش متفلسفانه برخی سیاستگذاران آموزشی در رابطه با هنر در بستر فرهنگی دینی باشد که برخی از جلوه های هنری را مغایر با فرهنگ دینی قلمداد می کنند. با در نظر گرفتن چنین مواردی، اغلب اوقات رونق و اهمیت هنر در نظام آموزشی با چالش های اساسی مواجه شده است.

در ارتباط با چالش های آموزش هنر پژوهشهایی صورت گرفته است. به عنوان مثال ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که تجربه معلمان در تدریس هنر در دوره ابتدایی در دو مقوله دستاوردهای مثبت (توسعه شایستگی های حرفه ای) و چالش های منفی (ضعف ارج گذاری به هنر) مشخص می شود. معلمان در تدریس برنامه درسی هنر نتوانسته اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره مند شوند و بی اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تاثیرگذار است (طباطبایی، عباسی، مرتضی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که نگرش منفی معلمان، کمبود معلم متخصص، عدم آشنایی معلمان با روش های مناسب تدریس، فقدان امکانات مناسب و ارزشیابی نامناسب از درس هنر، بیشتر از حد متوسط، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر در حد متوسط و بی توجهی برنامه ریزان، مسئولین، و بی اطلاعی اولیای دانش آموزان از اهمیت درس هنر، کمتر از حد متوسط مانع اجرای درست درس هنر می شوند. طباطبایی با فقی، حاتم و خزایی (۱۳۹۶)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اصلی ترین چالش ها عبارتند از سلیقه ای عمل کردن مدرسان درس طراحی پوستر در تدریس، عدم تدوین طرح درس مدون و از پیش تعیین شده از سوی مدرسان، عدم اجرای کامل فرسصل های آموزشی توسط استادان، عدم تجربه کاری و حرفه ای مدرسان، بی اعتنائی استادان به اجرای ارزشیابی تکوینی و دوره ای و نیز ارائه درس طراحی پوستر توسط مدرسان غیر مرتبط و غیر متخصص بوده اند. طلایی، کاتب و شریفی (۱۳۹۹) نشان دادند که چالش های آموزش هنر مبتنی بر هنرهای کامیونیتی در دو سطح درون و برون نهادی قابل دسته بندی است. در سطح درون نهادی، چالش های فقدان رویکردی جامع در آموزش هنر، مهارت های مربیگری، چالش مخاطب شناسی، تولید دیالوژیک، مهارت دانش چندفرهنگی، مهارت رهبری اجتماعی و چالش های برون نهادی، شامل چالش اجتماعی، فروکاست منزلت هنر به لذت، فرگشت معنایی، حصر آیینی، تهدید کارکردی، چالش آمیختگی نشانه ها، انتظارات بین نسلی بود. امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان دادند که معلمان دارای ذهنیت مناسبی درباره کارکردهای آموزش هنر در دوره ابتدایی هستند و جهت اجرای آموزش هنر از برخی فعالیت های خاص به ویژه نقاشی و کار دستی استفاده می کنند. همچنین آنان اذعان دارند که در زمینه تربیت هنری با چالش های اجرای مواجه هستند که مانع تحقق کارکردهای مثبت آنان می شود. محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان دادند که سه تم و چالش وجود دارد که شامل جایگاه آموزش مجازی است که این تم شامل چهار مقوله اجتماعی فرهنگی، اهمیت آموزشی، روانشناختی و اقتصادی می شود همچنین تم دوم شامل چالش های آموزش هنر است که شامل فقدان رویکرد جامع در آموزش هنر، ضعف اقبال اجتماعی، ضعف در فرایند یاددهی یادگیری و ضعف زیرساخت و امکانات می باشد و سومین تم مربوط به راهکار است که سه مقوله استفاده از رویکرد انگیزشی، شایستگی محوری و رویکرد حمایتی را شامل می شود.

با بررسی پیشنهاد پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عمده پژوهش‌های انجام شده در خصوص آموزش هنر، عمدتاً چالش‌های آن را بررسی کرده است و سطح‌بندی و میزان نقش هر کدام از چالش‌ها را مورد بررسی قرار نداده‌اند. بر این اساس در این مطالعه، ابتدا به‌شناسایی چالش آموزش هنر پرداخته شد و سپس روابط بین این عوامل و راه‌دستیابی به پیشرفت توسط این عوامل ارائه شد.

روش‌شناسی

روش پژوهش در مطالعه حاضر مطالعه موردی از نوع مدل‌سازی ساختاری تفسیری بود. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری با تجزیه و تحلیل معیارها در چند سطح متفاوت به تحلیل ارتباط و تعامل بین متغیرها می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش کلیه اعضای هیات علمی در رشته علوم تربیتی و معلمان هنر با حداقل مدرک کارشناسی ارشد بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۳ نفر از اساتید دانشگاه در رشته علوم تربیتی آشنا به برنامه‌ریزی درسی و معلمان با مدرک کارشناسی ارشد و دکترای که متخصص آموزش هنر بودند، انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند از نوع موارد مطلوب و بر اساس قاعده گلوله برفی ۲۳ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده پرسشنامه خود تعاملی ISM بود. به منظور ساخت پرسشنامه، ابتدا ادبیات تحقیق در مورد چالش‌های آموزش هنر مورد بررسی قرار گرفت، سپس از بین مقالات و منابع موجود، عوامل اولیه استخراج گردید. سپس با استفاده از رویکرد استقرایی تحلیل مضمون عوامل تکراری حذف و عوامل مشترک در کنار هم قرار گرفت و عامل کلی‌تر از عوامل مشترک و مشابه استخراج گردید. با حذف عوامل تکراری و ترکیب عوامل مشابه، ۱۰ عامل نهایی استخراج شدند، سپس عوامل به متخصصان ارائه شد و روایی آن با استفاده از روایی محتوایی و بر اساس شاخص لاوشه ۰/۹۱ به دست آمد که گویای روایی محتوایی بالا در شاخص‌ها بود. سپس با استفاده از پرسشنامه خودتعاملی ISM در سطر و ستون قرار گرفته و به متخصصان ارائه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری تفسیری و نرم افزار میک‌مک انجام شد.

یافته‌ها

چالش‌های اصلی آموزش هنر کدامند؟ به منظور پاسخ به این سوال با بررسی ادبیات پژوهش و به شیوه مرور نظام‌مند عوامل از طریق ادبیات پژوهش استخراج و سپس ترکیب و نهایی گردید. که نتایج جستجوی اولیه و استخراج شاخص‌های اولیه در جدول زیر ارائه شد و سپس با ترکیب و کنار هم نهاد و حذف عوامل اضافی ۱۰ شاخص و عامل نهایی استخراج گردید که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: چالش‌های آموزش هنر بر اساس ادبیات پژوهش

ردیف	عامل	منابع
۱	عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، محمدی تورلویی، یاری‌قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب‌دوست آرائی (۱۴۰۰)، طباطبائی، عباسی و مرتضی (۱۳۹۵)
۲	بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، محمدی تورلویی، یاری‌قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب‌دوست آرائی (۱۴۰۰)، حسینی (۱۳۸۹)

۳	ضعف فضای آموزشی و امکانات	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحتی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)، محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰)، طباطبائی، عباسی و مرتب (۱۳۹۵)
۴	کمبود بودجه برای آموزش هنر	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحتی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، تمنایی فر، امینی و یزدانی کاشانی (۱۳۸۹)، طباطبائی، عباسی و مرتب (۱۳۹۵)
۵	انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، خسروی شمشیری، سلطانی، علی زاده (۲۰۱۹)
۶	عدم استقبال و کم اهمیت هنر برای والدین	ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰)
۷	عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر	محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، طلالی، کاتب و شریفی (۱۳۹۹)، امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰)، طباطبائی، عباسی و مرتب (۱۳۹۵)
۸	عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، طلالی، کاتب و شریفی (۱۳۹۹)
۹	عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر	محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰)، حسینی (۱۳۸۹)
۱۰	کم اهمیت بودن درس هنر در جامعه	محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲)، طلالی، کاتب و شریفی (۱۳۹۹)، امینی و لقب دوست آرائی (۱۴۰۰)، ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، طباطبائی، عباسی و مرتب (۱۳۹۵)

همان گونه که مشخص است براساس اسناد و مدارک و با مرور ادبیات نظری می توان ۱۰ عامل اساسی به عنوان چالش اساسی در آموزش هنر به حساب آورد این عوامل عبارتند از: عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر، بی توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر؛ ضعف فضای آموزشی و امکانات، کمبود بودجه برای آموزش هنر، انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی، عدم استقبال و کم اهمیت هنر برای والدین، عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر، عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر، عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر، کم اهمیت بودن درس هنر در جامعه

سوال دوم: چالش های آموزش هنر در مدارس عراق چگونه سطح بندی می شوند؟

به منظور پاسخ به این سوال دوم از مدل سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. برای این کار ابتدا با تشکیل ماتریس عوامل داده ها از متخصصان آموزشی شامل معلمان و اساتید جمع آوری گردید سپس با تبدیل نمادهایی جدول، آنها به اعداد فازی ۰ و ۱ تبدیل شدند. علامت های V و X به عدد ۱ و علامت های A و O به عدد صفر تبدیل شده اند. جدول زیر، خروجی جدول فوق است که تحت عنوان ماتریس دستیابی اولیه ساخته می شود.

جدول ۲: ماتریس دستیابی اولیه چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق

I	J	عدم وجود معلم متخصص هنر	بی توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	ضعف فضای آموزشی و امکانات	کمبود بودجه برای آموزش هنر	انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	عدم استقبال و کم اهمیتی هنر برای والدین	عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر	عدم وجود رویکرد جامع و مندرج نظام مند در آموزش هنر	عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر	کم اهمیت بودن درس هنر در جامعه
		عدم وجود معلم متخصص هنر	بی توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	ضعف فضای آموزشی و امکانات	کمبود بودجه برای آموزش هنر	انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	عدم استقبال و کم اهمیتی هنر برای والدین	عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر	عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر	کم اهمیت بودن درس هنر در جامعه
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰
۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

سپس باید سازگاری درونی متغیرها برقرار شود. نتیجه‌ی حاصل را می‌توان در قالب جدول ۴ مشاهده کرد. در این جدول اعداد ۱ که علامت * گرفته‌اند، گویای این هستند که در ماتریس دستیابی اولیه ۰ بوده‌اند و پس از سازگاری عدد ۱ گرفته‌اند.

جدول ۳. ماتریس دستیابی نهایی چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق

I	J	عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر	بی توجهی و مدیران سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	ضعف فضای آموزشی و امکانات	کمبود بودجه برای آموزش هنر	انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	عدم استقبال و کم اهمیتی هنر برای والدین	عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزش در حوزه آموزش هنر	عدم وجود و روکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	عدم زمان کافی تخصیص بودن درس هنر در جامعه
		۱	۱*	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰
		۱*	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰
		۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰
		۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰
		۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
		۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱

در مرحله‌ی بعد تلاش شد تا سطوح مدل استخراج شود. برای این کار مجموعه دریافتی و مجموعه‌های پیش‌نیاز هر کدام از متغیرها مشخص می‌شود تا بتوان مورد به مورد سطح هر کدام را مشخص کرد مجموعه‌ی دریافتی شامل مجموعه‌ای است که در آن سطری متغیر به ستون متغیر منجر شده باشند و مجموعه‌ی پیش‌نیاز، شامل مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها به سطرها منجر شده باشند، با مشخص کردن اشتراک این دو در صورتی که هر کدام از متغیرها اشتراک مجموعه با مجموعه دستیابی یکسان باشد آن متغیر در زیرین سطح بالاتر و در نیجه سطح اول و کم تاثیر مشخص می‌شود. با تعیین متغیرها بر اساس سطوح آنها می‌توان مشخص کرد کدام یک از آنها قدرت بیشتری برای تاثیرگذاری دارند. در زیر مراحل تعیین سطح مشخص شده است.

جدول ۴: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح اول)

شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر	۹، ۷، ۲، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۹، ۷، ۲، ۱	سطح اول
بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۸، ۷، ۲، ۱	
ضعف فضای آموزشی و امکانات	۹، ۳	۹، ۷، ۳	۹، ۳	سطح اول
کمبود بودجه برای آموزش هنر	۹، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۴، ۱	
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۵	۵	
عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین	۹، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۹، ۶، ۲	
عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر	۹، ۷، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۹، ۷، ۱	سطح اول
عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۸، ۵، ۲	۱۰، ۸، ۲	
عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر	۹، ۷، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۹، ۷، ۱	سطح اول
کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۸، ۵	۱۰، ۸	

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که عامل ۱ و ۳ و ۷ و ۹ یعنی عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر، ضعف فضای آموزشی و امکانات، عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر، عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر اشتراک پیش نیاز با دریافتنی آنها دقیقاً برابر با مجموعه دریافتنی آنها است. به عنوان عوامل سطح اول مدل را ایفای نقش می‌کنند.

جدول ۵: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح دوم)

شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	۸، ۶، ۵، ۴، ۲	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۲	۸، ۶، ۵، ۲	
کمبود بودجه برای آموزش هنر	۴	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲	۴	سطح دوم
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲	۵	۵	
عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین	۶، ۴، ۲	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۲	۶، ۲	
عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	۱۰، ۸، ۶، ۴، ۲	۱۰، ۸، ۵، ۲	۱۰، ۸، ۲	
کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه	۱۰، ۸، ۶، ۴، ۲	۱۰، ۸، ۵	۱۰، ۸	

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که چالش ۴ یعنی کمبود بودجه برای آموزش هنر مجموعه اشتراک پیش نیاز با دریافتنی آنها دقیقاً برابر با مجموعه دریافتنی آنها است، این چالش یعنی کمبود بودجه برای آموزش هنر به عنوان عوامل سطح دوم مدل ایفای نقش می‌کنند.

جدول ۶: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح سوم)

شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر	۸، ۶، ۲، ۵	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۲	۸، ۶، ۵، ۲	سطح سوم
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۱۰، ۸، ۶، ۲، ۵	۵	۵	
عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین	۶، ۲	۱۰، ۸، ۶، ۲، ۵	۶، ۲	سطح سوم
عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	۱۰، ۸، ۶، ۲، ۵	۱۰، ۸، ۵، ۲	۱۰، ۸، ۲	
کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه	۱۰، ۸، ۶، ۲، ۵	۱۰، ۸، ۵	۱۰، ۸	

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که چالش ۶ یعنی عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین، و چالش ۲ یعنی بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر مجموعه اشتراک پیش‌نیاز با دریافتنی آن مساوی با مجموعه دریافتنی آن است. این دو چالش به عنوان عامل سطح سوم مدل به حساب می‌آید.

جدول ۷: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح چهارم)

شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۱۰، ۸، ۵	۵	۵	
عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر	۱۰، ۸	۱۰، ۸، ۵	۱۰، ۸	سطح چهارم
کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه	۱۰، ۸	۱۰، ۸، ۵	۱۰، ۸	

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که عامل ۸ یعنی عدم وجود رویکرد جامع و نظام‌مند در آموزش هنر، مجموعه اشتراک پیش‌نیاز با دریافتنی آن دقیقاً برابر با مجموعه دریافتنی آن است، این عامل به عنوان عامل سطح چهارم مدل ایفای نقش می‌کند.

جدول ۸: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح پنجم)

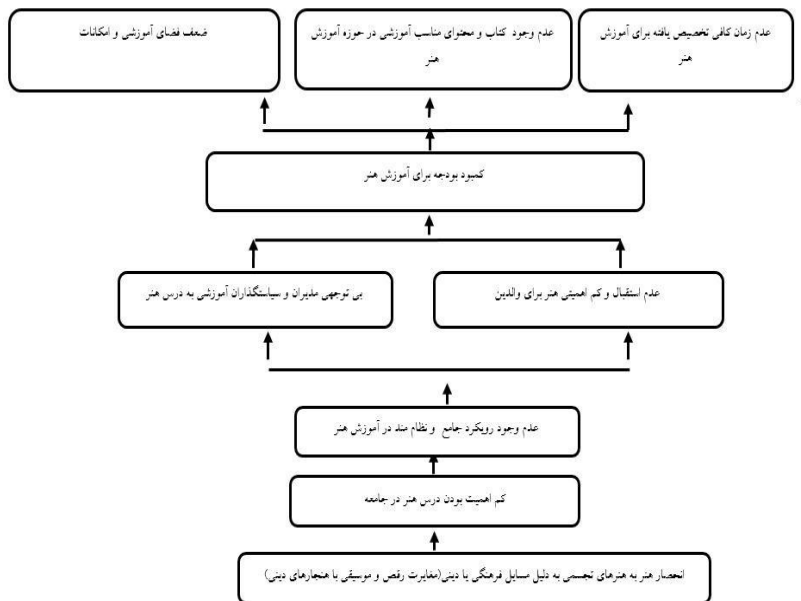
شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۱۰، ۵	۵	۵	
کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه	۱۰	۱۰، ۵	۱۰	سطح پنجم

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که چالش ۱۰ یعنی کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه، مجموعه اشتراک پیش‌نیاز با دریافتنی آن دقیقاً برابر با مجموعه دریافتنی آن است، این چالش به عنوان عوامل سطح پنجم مدل ایفای نقش می‌کند.

جدول ۹: تعیین سطح چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق (سطح ششم)

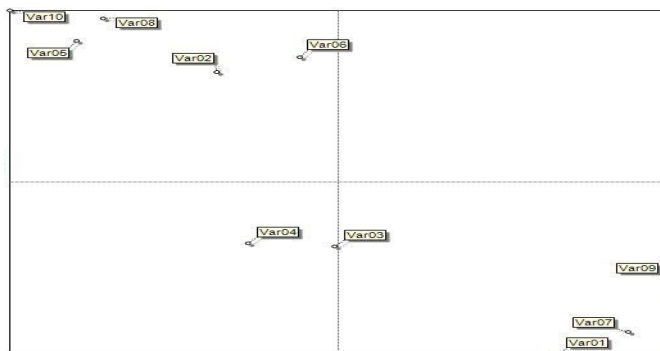
شاخص	مجموعه‌ی دستیابی	مجموعه‌ی پیش‌نیاز	مجموعه‌ی مشترک	سطح
انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی	۵	۵	۵	سطح ششم

با توجه به نتایج جدول و از آنجایی که چالش ۵ یعنی انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی (مغایرت رقص و موسیقی با هنجارهای دینی) مجموعه اشتراک پیش نیاز با دریافتنی آن دقیقاً برابر با مجموعه دریافتنی آن است، این دو عامل به عنوان عوامل سطح ششم مدل ایفای نقش می‌کنند. بر این اساس مدل چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق به صورت زیر ارائه می‌گردد



شکل ۱: مدل نهایی چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق

همان‌گونه که شکل فوق مشخص است چالش‌های اصلی آموزش هنر در نظام آموزشی عراق شامل شش سطح است که این شش سطح بر همدیگر به شیوه‌های متفاوتی تأثیرگذار هستند. در نمودار MICMAC زیر میزان اثرگذاری و انریذیری هر کدام از چالش‌ها تعیین شده است.



شکل ۲: مدل میک مک چالش‌های آموزش هنر

همان‌گونه که نمودار فوق به تصویر کشیده شده است چالش‌های ۱ و ۷ و ۹ شامل عدم وجود معلمان متخصص برای آموزش هنر، عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر، عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر به‌عنوان متغیر وابسته دارای قدرت وابستگی زیاد و قدرت نفوذ کم هستند. همچنین عامل‌های ۲ و ۵، ۶، ۸، ۱۰ شامل بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر، انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی، عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین، عدم وجود رویکرد جامع و نظام مند در آموزش هنر، کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه به عنوان متغیر مستقل کلیدی هستند. همچنین متغیرهای ۳ و ۴ شامل ضعف فضای آموزشی و امکانات و کمبود بودجه برای آموزش هنر به عنوان متغیرهای مستقل عمل می‌کنند. بنابراین می‌توان در یک نتیجه‌گیری کلی بیان داشت که اغلب متغیرها با هم دیگر در تعامل قوی بوده و ارتباط متقابل با یکدیگر دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که انحصار هنر به هنرهای تجسمی به دلیل مسایل فرهنگی یا دینی به عنوان اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین چالش آموزش هنر در مدارس عراق و در سطح ششم مدل ایفای نقش می‌کند. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، خسروی مشیزی، سلطانی و علی‌نژاد (۲۰۱۹) هم‌راستا است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که ایدئولوژی و باورهای دینی و فرهنگی و سیاسی هر کشور بیشترین نقش را در جهت‌دهی به آموزش و برنامه درسی ملی ایفا می‌کند. کشورهای اسلامی به دلیل باورهای مربوط به عدم همخوانی بخشی از مصادقات هنر با مبانی اسلامی از جمله رقص، مجسمه‌سازی، موسیقی، کمتر به این بخش از هنر توجه دارند. به همین دلیل هم در طول تاریخ هنر در کشورهای اسلامی بیشتر در قالب معماری، خوشنویسی و طراحی و خطاطی اهمیت داشته است. این سنت گرچه در دوره‌های مدرن و آموزش‌های معاصر تا حدی کم‌رنگ‌تر شده است با این حال اغلب نظام‌های آموزشی با سنت اسلامی همچنان بخش‌هایی از هنر و آموزش که با خوانش اسلامی تناسب ندارد را همچنان ترویج نمی‌کنند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که کم‌اهمیت بودن درس هنر در جامعه به عنوان پنجمین سطح و یکی دیگر از زیربنایی‌ترین عوامل دیگر مدل ایفای نقش می‌کند. نتایج پژوهش با پژوهش‌های دیگر از جمله محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری (۱۴۰۲)، طلائی، کاتب و

شریفی(۱۳۹۹)، امینی و لقب‌دوست آرانی(۱۴۰۰)، ذوالفقاریان و کیان(۱۳۹۳)، طباطبائی، عباسی و مرتبه(۱۳۹۵) حسینی(۱۳۸۹) هم‌راستا است. در تبیین علت زیربنایی‌بودن و اساسی بودن این چالش می‌توان گفت که برنامه درسی و آموزش از جامعه و اهداف جامعه نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر هیچ برنامه درسی و آموزشی در خلاء شکل نمی‌گیرد و اساسا برنامه درسی و آموزش باورهای جامعه را بازتولید و ارائه می‌دهد. در جوامع سنتی و دینی عمدتا پرداختن به مسائلی که به لذت و هنر و آئی بودن ارتباط داشته باشد، کمتر توجه می‌شود و بیشتر به کسب و کار و معنویت و عرفان توجه می‌شود. بر همین اساس کشورهای سنتی کمتر به هنر به عنوان یک موضوع اساسی و مساله‌مند در جامعه نگاه می‌شود و از آنجایی که برای شهروندان نیز این موضوع دغدغه نیست، طبیعی است که مساله نظام آموزشی نیز نباشد. علاوه بر این کشور عراق به عنوان یک کشور در حال توسعه بیش از پرداختن به مسائل مربوط به هنر به کسب و کار و مهارت‌آموزی نیاز دارد. این مهارت‌آموزی منجر به این شده که نظام آموزشی نیز بیش از پرداختن به هنر و مسائل مربوط به آن به مهارت آموزی توجه کند. علاوه بر این در صورتی که تغییرات صورت گرفته در برنامه درسی از یک طرف خواست و نیاز جوامع محلی و معلمان و دانش آموزان و به معنی کلی خواست ذی‌نفعان آموزشی باشد و از سطوح بالای نیاز آموزشی و جامعه ملی نیز مورد پذیرش باشد، حمایت‌های مورد نیاز از مجریان برنامه درسی اتفاق می‌افتد و ساز و کارهای تشویقی برای اجرای برنامه درسی صورت می‌گیرد. این مشوق‌ها و حمایت‌ها از مجریان برنامه درسی می‌تواند نقش انگیزشی برا اجرای برنامه درسی ایفا کند. آنچه حائز اهمیت است این است که این مشوق‌ها به مجریان برنامه درسی که عمدتا در نظام‌های غیرمتمرکز قدرت اجرایی بالایی ندارند، می‌تواند نقش پر رنگی در حضور فعال در اجرا داشته باشد.

همچنین عدم وجود رویکرد جامع و نظام‌مند در آموزش هنر به عنوان یکی از عوامل زیربنایی و اثرگذار در سطح چهارم نقش آفرینی می‌کند. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری(۱۴۰۲)، طلائی، کاتب و شریفی(۱۳۹۹)، همخوانی دارد. در واقع نظام آموزشی به عنوان یک سیستم از اجزای مختلفی تشکیل شده است و این اجزا همگی به عنوان یک کل تلاش می‌کنند به اهداف واحدی را که اهداف سیستم هستند، دست یابند. زمانی سیستم می‌تواند به خوبی عمل کند که اجزای آن به صورت پیوسته با هم در ارتباط باشند و همه اجزا یک هدف واحد را دنبال کنند. به نظر می‌رسد که گر چه در نظام آموزشی عراق درس‌های مرتبط با هنر وجود دارد و بعضا برای آن در برنامه درسی جایگاه حداقلی وجود دارد ولی آنچه به وضوح در نظام آموزشی عراق مشهود است این است که نظام آموزش عراق در رابطه با هنر و تربیت هنری و آموزش هنر راهبرد مشخصی را دنبال نمی‌کند. به عبارت دیگر برنامه‌های راهبردی و چارچوب‌مندی برای توسعه آموزش هنر در نظر گرفته نمی‌شود. این عدم نظام‌مند بودن در عدم تربیت تخصصی مربوط به هنر، عدم امکانات و تجهیزات مورد نیاز و عدم بودجه مورد نیاز در برنامه درسی هنر را شامل می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم اثرگذار در سطوح زیربنایی شامل دو چالش بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر و عدم استقبال و کم‌اهمیتی هنر برای والدین است. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های ذوالفقاریان و کیان(۱۳۹۳)، محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری(۱۴۰۲)، امینی و لقب‌دوست آرانی(۱۴۰۰)، حسینی(۱۳۸۹) و همچنین پژوهش‌های ذوالفقاریان و کیان(۱۳۹۳)، محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری(۱۴۰۲)، امینی و لقب‌دوست آرانی(۱۴۰۰)، هم‌راستا است. در تبیین چرایی زیربنایی‌بودن بی‌توجهی مدیران و سیاستگذاران آموزشی به درس هنر می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از حمایت‌های مورد نیاز برای اجرای صحیح برنامه درسی و آموزش در مدرسه مستقیما به عهده مدیر مدرسه و در سطوح بالاتر به عهده مدیران منطقه و ادارات کل است. به همین دلیل در صورتی که مدیران به عنوان حامی و پذیرای یک برنامه و یا تغییرات مورد نیاز و یا جهت‌گیری‌های خاصی باشند امکان اجرای آن طرح و برنامه تقویت می‌شود. در واقع امکانات، تجهیزات و تامین نیروی انسانی مورد نیاز برای اجرای آموزش و برنامه درسی به عهده مدیران است و طبیعی است توجه یا عدم توجه به یک نوع برنامه یا یک جهت‌گیری خاص مستقیما بر اجرای آن تاثیر می‌گذارد. از

طرف دیگر مدیران به عنوان اصلی ترین گروهی هستند که نقش مجری برنامه ها و طرح ها را در مدارس دنبال می کنند و این نقش می تواند جهت گیری های کلی برنامه درسی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. با این پیش فرض و از آنجایی که بسیاری از مدیران در نظام های آموزشی در کشورهای اسلامی نگرش دینی به آموزش دارند و از آنجایی که برای بسیاری از مدیران آموزش و پرورش، بخش هایی از آموزش هنر با روح دینی سازگاری بالایی ندارد، به همین دلیل توجه زیادی به آموزش هنر نیز از طرف مدیران صورت نمی گیرد. همچنین در تبیین علت اثرگذاری عدم استقبال و کم اهمیتی هنر برای والدین می توان گفت که والدین به عنوان یکی از ذی نفعان آموزش به حساب می آیند و تمایل و جهت گیری آنها نسبت به آموزش و برنامه درسی از ضرورت قابل توجهی برخوردار است. نتایج تحقیقات نشان می دهد بخش قابل توجهی از برنامه درسی ضمنی و پنهان مدارس بر اساس باورهای والدین جهت دهی می شود و همچنین بخش قابل توجهی از برنامه درسی آشکار ملی در سطح ایالتی و مدارس بر اساس باورها و ایدئولوژی های جامعه بومی که طبیعتا ادراک و باورهای والدین نیز از آن نشأت می گیرد تحت تاثیر قرار می گیرد. نتیجه اینکه اگر والدین نسبت به یک برنامه درسی و آموزش، نگرش مثبتی داشته باشند اجرایی شدن آن تقویت می شود ولی اگر یک برنامه درسی در سطح جامعه محلی و از نظر والدین از شرایط مطلوبی برخوردار نباشد امکان اجرایی شدن آن با چالش همراه است. از آنجایی که به صورت سنتی بسیاری از والدین آموزش هنر را به عنوان ی موضوع آموزشی مهم و به عنوان یک چارچوبی از مهارت های ضروری به حساب نمی آورند، در نتیجه اهمیتی به آن نمی دهند. این موضوع در به حاشیه رفتن آموزش هنر در مدارس نقش پر رنگی دارد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که کمبود بودجه برای آموزش هنر به عنوان یکی از چالش های آموزش هنر در مدارس عراق در سطح دوم مدل قرار دارد. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش های ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)، تمنای فر، امینی و یزدانی کاشانی (۱۳۸۹)، طباطبائی، عباسی و مرتضی (۱۳۹۵) هم راستا است. در تبیین این نتیجه می توان گفت که بر خلاف حوزه های دیگر آموزشی مثل علوم اجتماعی، خواندن و ... درس های عملی به کار عملی و اجرای آموزش در عمل و موقعیت عملی نیاز دارد و یکی از اصلی ترین عوامل اثر گذار بر اثربخشی آموزش، به زیرساخت ها، تجهیزات، امکانات و مواد آموزشی ضروری بستگی دارد. به عبارت دیگر عناصر برنامه درسی اساسا زمانی مفید خواهند بود که در یک موقعیت اصیل و واقعی قرار گیرند. در صورتی که موقعیت های واقعی آموزش و آموزش های علمی برای دست ورزی و فعالیت های دستی و هنری دانش آموزان فراهم نباشد، معلم و برنامه درسی نمی تواند کاری از پیش ببرد و بستر سازی و ایجاد فضای مناسب آموزش اصیل و واقعی نیز نیاز به بودجه و هزینه های قابل توجه دارد. در واقع کارگاه های هنری، تهیه مواد اولیه برای کار، تجهیز کلاس های درس هنر، و سایر موارد همه نیازمند بودجه بیشتری نسبت به درس های دیگر که به صورت نظری ارائه می شود، دارد. در صورتی که آموزش و پرورش بودجه کافی برای تجهیز چنین زیرساخت هایی برای آموزش هنر نداشته باشد، امکان اجرای دقیق برنامه درسی هنر و آموزش آن عملا با وقفه مواجه می شود. در چنین حالتی اگر هم برنامه درسی هنر و آموزش هنر وجود داشته باشد، عملا به صورت صوری اتفاق می افتد و روح برنامه درسی هنر در آن لحاظ نمی شود. بر این اساس شاید یکی از عوامل اساسی اجرای آموزش هنر در مدارس در کشورهای در حال توسعه را بتوان عدم بودجه کافی برای این آموزش ها قلمداد کرد که البته این موضوع خود می تواند به علت عدم ضرورت آن برای مدیران سطح کلانی آموزش و پرورش و حتی عدم نیاز در جامعه قلمداد کرد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سه چالش شامل عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر، عدم وجود کتاب و محتوای مناسب آموزشی در حوزه آموزش هنر، ضعف فضای آموزشی و امکانات به عنوان سه چالش اساسی در سطح اول بوده و بیشتر به عنوان عوامل اثر پذیر از عوامل قبل به حساب می آید. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش های محمدی تنورلویی، یاری قلی و پیری (۱۴۰۲).

امینی و لقب‌دوست آرانی (۱۴۰۰)، حسینی (۱۳۸۹)، طایلی، کاتب و شریفی (۱۳۹۹)، طباطبائی، عباسی و مرتبه (۱۳۹۵) ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰) و تمنای‌فر، امینی و یزدانی کاشانی (۱۳۸۹) هم راستا است. در تبیین این موضوع که عدم زمان کافی تخصیص یافته برای آموزش هنر به عنوان یکی از چالش‌های آموزش هنر در مدارس عراق به حساب می‌آید می‌توان گفت که میزان زمان و کیفیت زمان اختصاص یافته به دروس مختلف به عنوان یکی از فاکتورهایی است که کیفیت یادگیری را می‌تواند تضمین کند. همان‌گونه که آیزنر (۲۰۰۲) می‌گوید بسیاری از نظام‌های آموزشی درس هنر را به عنوان یک درس حاشیه‌ای و کم‌اهمیت قلمداد کرده و به همین سبب برای آن ساعت‌های آموزشی کمتر و همچنین ساعت‌های کم ارزش مثل ساعت های آخر را اختصاص می‌دهد. این موضوع از این جهت است که این درس برای بسیاری از نظام‌های آموزشی حاضر اهمیت نیست. از نظر آیزنر و بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه درسی، زمان اختصاص یافته به یک درس و کیفیت زمان اختصاص یافته به صورت ضمنی این امر را متبادر می‌کند که این درس به چه میزان برای سیاست‌گذاران، مدیران و معلمان اهمیت دارد. بنابراین از آنجایی که نظام‌های آموزشی سنتی علاقه‌ای آنچنانی به آموزش هنر ندارند، در نتیجه در برنامه درسی رسمی و برنامه‌های هفتگی نسبت به درس‌هایی همچون علوم، ریاضی و علوم اجتماعی به هنر توجه کمتری می‌شود. علاوه بر این کیفیت معلمان نیز در کنار این موضوع نقش قابل توجهی دارد که با پژوهش‌های ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، مهر محمدی و عابدی (۱۳۸۰)، تمنای فر، امینی و یزدانی کاشانی (۱۳۸۹)، محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب دوست آرانی (۱۴۰۰)، طباطبائی، عباسی و مرتبه (۱۳۹۵) حسینی (۱۳۸۹) هم‌راستا است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که معلمان و مجریان بلافاصل برنامه درسی در صورت توانمندی و صلاحیت حرفه‌ای می‌تواند اجرای برنامه درسی را به بهترین نحو تضمین کنند و در صورتی که صلاحیت حرفه‌ای نداشته باشند معمولاً اجرای برنامه درسی اِتر می‌ماند. آنچه مشخص است در بسیاری از کشورها از جمله کشور عراق در تربیت معلمان هنر ضعیف بوده و بسیاری از مدارس معلم متخصص در این زمینه به ندرت وجود دارد. در نتیجه این موضوع کمتر دانش‌آموزان علاقه‌مند به درس آموزش هنر شده و دانش و نگرش مثبت پیدا کنند.

وجود منابع مالی و مادی و تجهیزات مورد نیاز به عنوان یک ضرورت اساسی برای اجرای برنامه‌های درسی هنر به حساب می‌آید که با نتایج پژوهش‌های ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳)، فلاحی، صفری، یوسف فرحنگ (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)، تمنای‌فر، امینی و یزدانی کاشانی (۱۳۸۹)، محمدی تنورلویی، یاری‌قلی و پیری (۱۴۰۲)، امینی و لقب‌دوست آرانی (۱۴۰۰)، طباطبائی، عباسی و مرتبه (۱۳۹۵) حسینی (۱۳۸۹) هم‌راستا است. تا زمانی که بسترهای فنی، امکانات و تجهیزات مورد نیاز برنامه‌های درسی ایجاد نشود، طرح برنامه درسی جدید یک مفهوم بیهوده و انتزاعی به حساب می‌آید. به همین دلیل برای بسیاری از متخصصان برنامه درسی، میزان اجرای برنامه درسی جدید را به میزانی از امکان و تجهیزات مورد نیاز مهیا شده برای برنامه درسی جدید پیش بینی می‌کنند. در واقع این امکانات می‌تواند شامل نیروی انسانی مجهز و آموزش دیده برای اجرای برنامه درسی، وسایل آموزشی، بودجه مورد نیاز برای اجرای برنامه درسی مورد نظر و یا فضای آموزشی مورد نیاز برای برنامه درسی جدید از مواردی هستند که در صورتی که قبل از اجرا تدارک دیده نشده باشند، اجرای برنامه درسی را با اختلال مواجه می‌کند به همین منظور از نظر متخصصان، منابع مالی و مادی و تجهیزات مورد نیاز از زیربنایی‌ترین عوامل اثرگذار بر اجرای برنامه درسی است. همچنین در تبیین علت اثرگذاری بالای مشارکت ذی‌نفعان آموزش در فرایند طراحی و تدوین برنامه درسی در اجرای صحیح برنامه درسی می‌توان گفت که اساساً برنامه درسی زمانی می‌تواند به درستی مورد پذیرش قرار گیرد که با خواست و نیاز ذی-نفعان آموزشی همخوانی داشته باشد. در واقع برنامه درسی در صورتی که با نظر و مشارکت ذی نفعان آموزشی از جمله والدین، معلمان و جوامع محلی طراحی شود، به دلیل اینکه مسائل دغدغه‌ها، مسائل و چالش‌های مستقیم آنها در فرایند کار مدنظر قرار گرفته است، قابل-

فهم‌تر و در نتیجه اجرای آن راحت‌تر است و علاوه بر آن به دلیل مورد پذیرش واقع شدن آن در بین مجریان، انگیزه و تمایل برای به نتیجه رسیدن آن نیز بالاتر است.

تقدیر و قدردانی

از صاحب‌نظران و مشارکت‌کنندگانی که در فرایند روایی ابزار و تکمیل پرسشنامه، پژوهشگران را همراهی کرده‌اند، قدردانی می‌شود.

منابع

- امینی، محمد و لقب‌دوست آرانی، مجیده (۱۴۰۰). بازنمایی تجارب زیسته معلمان از کارکردها، نحوه اجرا و چالشهای تربیت هنری در مدارس ابتدایی. *تدریس پژوهی*. ۹ (۴): ۱-۲۹.
- پویان، آزاده؛ عالی عباس آباد، یوسف و معتمدی، سحر (۱۴۰۲). تجلی هنر و موسیقی در عرفان ایرانی، عرفان اسلامی، ۷۵، ۸۳-۱۰۱.
- تمنایی فر، محمدرضا، امینی، محمد و بزدانی کاشانی، زینب (۱۳۸۹). تاملی بر کاربردهای تربیت هنری در نظام آموزشی، فصلنامه جلوه هنر، دوره جدید شماره ۲، ۵-۱۶.
- ذوالفقاریان، ملیحه و کیان، مرجان (۱۳۹۳). واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی: یک پژوهش کیفی. *نظریه و عمل در برنامه‌داری*. ۲ (۴): ۱۶۰-۱۳۵.
- روشی، موسی (۱۳۸۹). تربیت هنری در مدارس دوره‌ی ابتدایی. *رشد آموزش هنر*. ۷ (۳): ۵.
- صابری، رضا؛ کیخسروی، امیرحسین؛ محبی امین، سکینه و پورکریمی هاوشکی، مجتبی (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه‌داری هنر آموزش‌های عمومی (ابتدایی و متوسطه اول). *مطالعات برنامه‌داری ایران*. ۱۰ (۳): ۱۵۴-۱۳۳.
- صفری، اسماعیل و نظرازاده زارع، محسن (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*. ۲ (۱۶): ۹۴-۸۴.
- طباطبایی بافق، سید محمد تقی؛ حاتمی، جواد و خزایی، محمد (۱۳۹۵). بررسی چالش‌های آموزش طراحی پوستر در دانشگاه‌های هنر ایران (یک مطالعه کیفی). *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*. ۱۸، ۱۰۱-۱۱۷.
- طباطبایی، مینو؛ عباسی، پروین و مرتهب، اعظم (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان. *مطالعات پیش‌دبستان و دبستان*. ۱ (۳): ۱۵-۱.
- طباطبایی، مرصیه و کاتب، فاطمه و شریفی، سعید (۱۳۹۹). آموزش هنر جامعه‌محور: پدیدارشناسی چالش‌های آموزش هنر مبتنی بر هنرهای جوامع محلی (مورد مطالعه: عروسک‌های آیینی). *مبانی نظری هنرهای تجسمی*. ۹۰، ۷۸-۹۰.
- عبدلی، افسانه؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و آهنجیان، محمدرضا (۱۳۹۵). فضای عمومی ماکسین گرین فراتر از حصارهای آموزش و پرورش استاندارد. *فلسفه تربیت*. ۱ (۱): ۶۸-۳۱.
- فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف فرحنگ، ماندانا (۱۳۹۰). تاثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی. *فصلنامه نوآوری های آموزشی*. ۱۰ (۳۹): ۳۹.
- کریمی، غلامحسین و عابدی، محسن (۱۳۹۶). نگاهی به ابعاد و کارکردهای تربیتی هنر. *رویش روان‌شناسی*. ۲ (۱۹): ۱۸۸-۱۶۹.
- لرکیان، مرجان؛ مهرمحمدی، محمود؛ ملکی، حسن و مفیدی، فرخنده (۱۳۹۰). طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه‌داری هنر دوره ابتدایی ایران. *مطالعات برنامه‌داری*. ۶ (۲۱): ۱۶۳-۱۲۳.
- محمّدی تورلوئی، فاطمه؛ یاری‌قلی، پیهود؛ پیری، موسی (۱۴۰۲). تجربیات معلمان از جایگاه هنر و چالش‌های آموزش آن در دوران آموزش مجازی، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*. ۲۰ (۴۹): ۱۳۷-۱۴۷.

- مهدیزاده تهرانی، آیدین؛ عصاره، علیرضا؛ مهرمحمدی، محمود و امام جمعه، محمدرضا (۱۳۹۸). تبیین دیدگاه صاحب‌نظران درباره‌ی عناصر برنامه‌ی درسی آموزش هنر برای ارائه الگوی برنامه‌درسی تربیت معلم هنر (آموزش عالی). مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، ۱۰ (۱۹)، ۸۹-۲۱.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۸). آموزش عمومی هنر، چیستی، چرایی و چگونگی. انتشارات مدرسه.
- هاشمی، سید احمد و غلام‌پور، حسین (۱۳۹۸). جایگاه درس هنر در آموزش و پرورش. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴ (۶)، ۱۱۵-۱۰۳.
- Fu, Xinrui (2023). Enlighten the Intellect with Beauty, Educate the People with Beauty—A Preliminary Study on Teaching Aesthetic Education in Elementary School. *The Educational Review*, 7 (5), 625-629.
- Khosravi Mashizi, M., Soltani, A., & Alinejad, M. (2019). A Comparative Study of Arts Education Curriculum of Primary Schools in Iran and Canada. *Iranian Journal of Comparative Education*, 2(3), 298-323.
- Eisner, Elliot (2002). *The Lessons the Arts Teach*, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries Proceedings from an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.
- Knight, W. B. (2021). Teaching is political: Social justice and the politics of art education. *Visual Inquiry: Learning & Teaching Art*, 10(2), 191-194.

Model the challenges of art education in the Iraqi education system based on interpretive structural modeling

Sirous Mansouri^{*1}, Saeed Shah Hosseini² and Aye Elhitavi³

Abstract

The present study aimed to "model the challenges of art education in the Iraqi education system based on interpretive structural modeling. The research method was a case study of interpretive structural modeling. The statistical population of the study included university professors and art teachers, who were selected through purposive sampling of 23 people. The data collection tool included documents and a researcher-made questionnaire, and the interpretive structural modeling technique was used to analyze the data. The results showed that 10 factors including the lack of specialized teachers for art education, the inattention of educational administrators and policymakers to art lessons; the weakness of the educational space and facilities, the lack of budget for art education, the monopoly of art on visual arts due to cultural or religious issues (the conflict of dance and music with religious norms), the lack of acceptance and low importance of art for parents, the lack of appropriate educational books and content in the field of art education, the lack of a comprehensive and systematic approach to art education, the lack of sufficient time allocated for art education, and the low importance of art lessons in society are the main challenges of art education in Iraqi schools

Keywords: art education, curriculum, formal education

^۱. Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Arak University, Arak, Iran. smansoori06@gmail.com

^۲. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak University, Arak, Iran

^۳. Master of Arts in Curriculum Planning, Arak University, Arak, Iran ayealhitavi@gmail.com